

تحلیل و نقد پیش فرض های کلامی فریقین در ترجمه آیات امامت و فضایل حضرت علی (علیه السلام)

عبدالله میراحمدی *

استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

فاطمه فتاحی **

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۰۱)

چکیده

یکی از مباحث مهم نزد فریقین، بحث پیرامون آیات دلالت کننده بر عظمت و فضایل امام علی (ع) است. از آنجاکه پیش فرض های کلامی مذهب شیعه و اهل سنت درباره امامت و ولایت یکسان نیست، این دو گروه به مسئله امامت یکسان نمی نگرند؛ بنابراین ترجمه این آیات به زبان فارسی متأثر از پیش فرض های کلامی است. البته مترجمان اهل سنت در این باره دیدگاه یکسانی ندارند؛ برخی از آنها آگاهانه و با غرض ورزی، پیش فرض های عقیدتی خود را در ترجمه به کار گرفته اند. برخی نیز این مفروضات را در ترجمه دخالت نداده اند و با موضعی سکوت آمیز از دامن زدن به تعصبات فرقه ای پرهیز کرده اند. این پژوهش بر آن است ضمن بهره گیری از روایات معتبر و آرای مفسران فریقین پیرامون آیات امامت و فضایل امام علی (ع)، شاخص ترین ترجمه های تفسیری اهل سنت (دهلوی، خرم دل و انصاری) و شیعه (الهی قمشه ای، مشکینی و مکارم شیرازی) را بررسی و تحلیل کند. از این رهگذر می توان پس از بیان ضعف ها و قوت های احتمالی، تأثیر پیش فرض های کلامی و تعصب های موجود را در ترجمه های اهل سنت دقیق تر نمایان ساخت. افزون بر آن می توان مطابق مبانی کلامی، انتقال صحیح محتوای این آیات را در ترجمه های شیعی مورد سنجش قرار داد.

واژگان کلیدی: نقد ترجمه قرآن، امامت و فضیلت علی (ع)، پیش فرض های کلامی.

* E-mail: mirahmadi_a@khu.ac.ir (نویسنده مسئول)

** E-mail: fatahifateme70@yahoo.com

مقدمه

مسئله امامت از مهم‌ترین مباحث عقیدتی، تفسیری و روایی است که در طول تاریخ اسلام درباره هیچ مسئله‌ای به اندازه آن سخن گفته نشده است. از آنجا که امامت از نظر شیعه و پیروان مکتب اهل بیت (ع) منصبی الهی است و امام باید از سوی خدا تعیین شود، از اصول دین و ریشه‌های اعتقادی به شمار می‌آید، در حالی که از نظر اهل سنت جزء فروغ دین و دستورهای عملی محسوب می‌شود.

بدیهی است این دو گروه به مسئله امامت یکسان نمی‌نگرند و تعریف واحدی از آن ندارند. از میان فرق اسلامی، تنها امامیه بر آن است که امام باید توسط نصّ و بیان صریح معصوم پیشین تعیین گردد؛ زیرا امام باید معصوم باشد و عصمت امری ناآشکار است که جز خدای متعال، کسی بدان علم ندارد. از طرفی با توجه به روش و منش پیامبر (ص) لازم می‌آید که امام پس از خود را نصب و بر او نص کرده و وی را به مردم شناسانده باشد (طوسی و علامه حلّی، ۱۳۹۲: ۲۹۱-۲۹۲).

قرآن کریم که سرچشمه فیاض علوم و دانش‌ها است و آگاهی بر آن راهگشای تمام امور است در دو بخش به این مسئله مهم پرداخته شده است: ۱. آیاتی که به‌طور مستقیم، مسئله امامت را مورد توجه قرار می‌دهد و به‌وضوح از آن بحث می‌کند؛ ۲. آیاتی که به‌طور غیرمستقیم از این مسئله بحث می‌کند؛ که با ضمیمه کردن یک مقدمه واضح عقلی (ترجیح مرجوح بر راجح قبیح است) نتیجه گرفته می‌شود، کسی شایسته‌تر از امام علی (ع) برای رهبری امت بعد از پیامبر (ص) نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۱۷۷/۹ - ۱۷۸).

با وجود آیات فوق به جهت اختلاف مبنایی مفسران فریقین، معمولاً در تبیین مضمون آن‌ها اتفاق نظر وجود ندارد. چنان که در تفاسیر امامیه، مقام والای امام علی (ع) به‌وضوح ترسیم شده است. در حالی که در تفاسیر اهل سنت، چندگونه‌گی وجود دارد. برخی از مفسران با رویکردی منصفانه و مبتنی بر احترام به یادکرد امام علی (ع) و فضایل ایشان پرداخته‌اند. در مقابل، برخی با غرض‌ورزی و تعصّب یا بدون هیچ اشاره‌ای از کنار آیه

عبور می‌کنند؛ یا آنکه ظواهر آیات را توجیه کرده‌اند و روایات تفسیری موجود در این زمینه را ساخته شیعیان می‌دانند.

در این میان، توجه مترجمان فارسی زبان قرآن از فریقین نیز در ترجمه آیات امامت و فضایل امام علی (ع) بی‌شبهت به مفسران نیست. چنان‌که برخی از مترجمان اهل سنت بدون توجه به روایات معتبر و با لحاظ کردن تعصبات فرقه‌ای از مسیر انصاف دور شده‌اند. منحرف کردن افکار مخاطبان این گونه ترجمه‌ها بیشتر از تفاسیر متعصبانه است. دلیل این امر وجود استفاده همگانی از ترجمه قرآن و تخصص نداشتن مخاطبان آن به صورت نسبی است؛ بنابراین بر مترجم قرآن لازم است با انصاف کامل و به دور از تعصبات فرقه‌ای، بامهارت و دقتی خاص به ترجمه این گونه آیات پردازد.

از آنجاکه در پژوهش حاضر به تحلیل و نقد پیش‌فرض‌های کلامی مهم‌ترین مترجمان فریقین می‌پردازیم، به جهت رعایت حجم مطالب تنها به شاخص‌ترین آیات مرتبط با امامت و فضایل امام علی (ع) که به صراحت درباره آن حضرت است، اشاره می‌کنیم. در ادامه ارزیابی مختصری از تفاسیر فریقین به‌ویژه تفاسیر اهل سنت ارائه می‌دهیم تا ما را در بخش ارزیابی ترجمه‌ها یاری رساند. مطابق این شیوه جدلی می‌توان ترجمه‌های اهل سنت را بر اساس منابع معتبری تفسیری خودشان مورد سنجش قرار داد. در پایان هر بخش نیز با عنوان ترجمه برگزیده، میزان پایبندی مترجمان شیعه به پیش‌فرض‌های کلامی در زمینه امامت را ارزیابی خواهیم کرد.

در زمینه پیشینه تحقیق نیز باید یادآور شد که پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون آیات امامت و فضایل، غالباً با تمرکز بر تفاسیر فریقین صورت گرفته و تحلیل و ارزیابی رویکرد مترجمان چندان مورد توجه نبوده است. با این حال برخی از تحقیق‌های مرتبط با تحلیل و نقد مترجمان اهل سنت عبارت‌اند از:

۱- مقاله «نقد و بررسی ترجمه شاه ولی الله دهلوی» از ابراهیم فلاح. این تحقیق که با تمرکز بر مباحث ادبی صورت گرفته باهدف دستیابی به ترجمه دقیق‌تر و صحیح‌تر در صدد کنکاش در آسیب‌شناسی فنی - ادبی ترجمه شاه ولی الله دهلوی است. دستاورد حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که ترجمه شاه ولی الله دهلوی دارای اشتباه و

خطاهایی در حوزه صرف و نحو، ترجمه واژگان، عربی زدگی در کاربرد واژگان و غیره بوده که مورد نقد و بررسی قرار گرفته است (ر.ک: فلاح، ۱۳۹۳: ۴۳ - ۶۰).

۲- مقاله «معرفی و نقد ترجمه تفسیری قرآن از دکتر مصطفی خرم دل» به قلم محمد علی کوشا. این پژوهش که در دو شماره از فصلنامه ترجمان وحی انتشار یافته، درصدد ارائه نقاط قوت و ضعف ترجمه خرم دل بوده است؛ هر چند نقاط ضعف و موارد نقد آن بیشترین حجم مقاله را به خود اختصاص داده است. نگارنده بدون پرداختن به ترجمه خرم دل ذیل آیات امامت و فضایل، بر اساس ترتیب مصحف اشکالاتی را که بیشتر جنبه ادبی و تفسیری و عدم رعایت زبان معیار را دارد بر ترجمه فوق وارد می‌کند و ترجمه صحیح را ذیل آن‌ها می‌رود (ر.ک: کوشا، ۱۳۸۰: ۳۷ - ۶۳؛ ۱۳۸۱: ۴۸ - ۷۳).

۳- پایان نامه «بررسی تطبیقی ترجمه قرآن کریم محمد مهدی فولادوند و مصطفی خرم دل (ده جزء اول)» از محمدجواد پیشوایی به راهنمایی فضل الله میرقادری که در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز، دفاع شده است. تمرکز این پژوهش بر ارائه اختلافات دو ترجمه فوق بوده و سپس با استناد به منابع تفسیری و ادبی ویژگی‌های مثبت و منفی بیان شده است. در این اثر که با رویکرد ادبی نگاشته شده است، هیچ ردپایی از پیش‌فرض‌های کلامی یافت نمی‌شود (پیشوایی، ۱۳۸۷).

۱- آیات امامت حضرت علی (ع)

رسالت امام معصوم (ع) در بسیاری از جهات هماهنگ و همانند رسالت انبیا است، جز آنکه وحی بر آن‌ها نازل نمی‌شود و پایه‌گذار اصلی دین نیستند، بلکه ادامه دهنده همان راه پیامبرانند؛ بنابراین راهی برای تعیین امام جز از طریق انتصاب الهی نیست و از آنجا که کتاب الله سرچشمه فیاض علوم و دانش‌ها است و آگاهی بر آن راهگشای تمام امور است، آیاتی به صورت مستقیم مسئله امامت را مورد توجه قرار داده و به وضوح از آن بحث می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۱۵۷/۹ - ۱۵۹). در این قسمت برخی از آیات قرآن که مستقیماً به مسئله امامت حضرت علی (ع) تصریح کرده است، بیان می‌کنیم:

۱-۱) آیه اولی الامر

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) (نساء/۵۹).

ارزیابی تفسیری

پیروان مذهب شیعه و اهل سنت درباره تعبیر «اولی الامر» و اطاعت از وی دیدگاه یکسانی ندارند. دانشمندان شیعی با استناد به اطلاق در آیه و شواهدی از آیات دیگر و نیز روایات متواتر معنوی (مخصوصاً منابع مشهور اهل سنت)، مصداق اولی الامر را تنها پیشوایان معصوم می‌دانند و در این نظر متفق القولند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۸۹/۴).

حاکم حسکانی ذیل آیه، پنج حدیث نقل کرده که در همه آنها عنوان «اولی الامر» بر علی (ع) (به عنوان یک مصداق روشن) تطبیق داده شده است. در نخستین حدیث از خود حضرت نقل می‌کند که وقتی پیامبر (ص) فرمود: شرکای من کسانی هستند که خداوند آنها را قرین خودش و من ساخته و درباره آنها آیه شریفه را نازل کرده است، از آن حضرت پرسیدم: یا نبی الله من هم؟ «ای پیامبر خدا اولی الامر چه کسانی هستند؟» قال انت اولهم؛ فرمود: تو نخستین آنها هستی (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱۸۹/۱).

برخی از مفسران اهل سنت نیز دلالت آیه را بر عصمت اولی الامر پذیرفته‌اند؛ آنان ضمن تطبیق اولی الامر بر اهل حل و عقد، بر مشروعیت اطاعت مطلق از آنان تأکید می‌کنند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۴۴/۱۰). ولی اکثر اهل سنت، اولی الامر را به والیان و دانشمندان امت معنا کرده‌اند و اطاعت آنان را منوط و مقید به احراز موافقت فرامین و احکام آنان با حکم خدا دانسته‌اند (سید قطب، ۱۴۱۲ ق: ۶۹۱/۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۲۴/۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۶۴/۳).

ترجمه‌ها

ای مؤمنان فرمان برداری کنید خدا را و فرمان برداری کنید پیغمبر را و فرمانروایان را از جنس خویش (دهلوی).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا (با پیروی از قرآن) و از پیغمبر (خدا محمد مصطفی با تمسک به سنت او) اطاعت کنید و از کارداران و فرماندهان مسلمان خود فرمان برداری نمایید (مادام که دادگر و حق‌گرا بوده و مجری احکام شریعت اسلام باشند).

توضیحات: «أُولَى الْأَمْرِ»: کارداران. کارگزاران. امراء و فرمانروایان. «منکم» از خودتان، یعنی و کارداران و حکام باید مسلمان باشند و در راه شریعت و نه معصیت گام بردارند (خرم-دل).

ای مؤمنان، از خداوند اطاعت کنید و از رسول (او) و صاحبان امرتان (هم) اطاعت کنید (انصاری).

ای اهل ایمان، فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) که از خود شما هستند اطاعت کنید (الهی قمشه‌ای).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و از فرستاده او و صاحبان امرتان (که جانشینان معصوم پیامبرند) اطاعت نمایید (مشکینی).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالأمر [اوصیای پیامبر] را (مکارم).

ارزیابی ترجمه‌ها

در ترجمه دهلوی، «أُولَى الْأَمْرِ» به معنای غیرحقیقی (فرمانروایان) ترجمه شده است و اطاعت این گروه را مطلق و بدون قید شرط بیان نموده است. در ترجمه خرم‌دل همانند نظر اکثریت مفسران اهل سنت، «أُولَى الْأَمْرِ» را فرماندهان معنا کرده و اطاعت از آن‌ها را مقید به احراز موافقت فرامین و احکام آنان با حکم خدا دانسته است. همچنین از آنجا که تعصب بیشتری به خرج داده اطاعت از خدا و اطاعت از رسول را به یک نحو دانسته است و اطاعت از اولی‌الامر را نحو دیگری می‌داند و عطف صریح «أُولَى الْأَمْرِ» را به رسول نادیده می‌گیرد. در ترجمه انصاری که مطلب چندان برایش اهمیت نداشته و تعصبی به خرج نداده، به درستی تبیین شده، جز آنکه تعبیر «صاحبان امرتان» تعیین مصداق نشده است.

ترجمه برگزیده

با توجه به گفتار علامه طباطبایی که وجه تکرار «اطیعوا» را تفاوت اطاعت خدا و اطاعت رسول می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۸۸/۴) ترجمه الهی قمشه‌ای ناصحیح است؛ زیرا

اطاعت از خدا و رسول را در این آیه به یک نحو و اطاعت «اولی الامر» را به نحو دیگری دانسته است. از طرفی، «اولی الامر» را به معنای غیر واقعی (فرمانداران) ترجمه کرده است. با توجه به معنای «اولی الامر» و نظر علامه طباطبایی، می توان ترجمه مکارم و مشکینی را کاملاً صحیح دانست.

۱-۲) آیه تبلیغ

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ) (مائده/۶۷).

ارزیابی تفسیری

نقطه اصلی بحث در میان فریقین درباره این آیه، در تعیین مصداق مأموریتی است که از ناحیه خداوند بر پیامبر (ص) نازل و ابلاغ آن همراه با لحنی تهدید گونه، درخواست شده است. شیعه به اتفاق می گوید: این مأموریت، ابلاغ رسمی ولایت و پیشوایی امام علی (ع) است و این آیه یکی از ادله نصب امامت به شمار می آید و قرینه قطعی بر تعیین معنای زعامت از واژه «مولی» در حدیث غدیر است. شیعه در این باره با استناد به آیات دیگر قرآن و شواهد متعدد، این قول را استوار ساخته است. در مقابل، اهل سنت پیرامون تفسیر آیه مذکور اختلاف نظر دارند. و علی رغم آنکه بسیاری از عامه نزول آیه شریفه را در ابلاغ ولایت و وصایت امام علی (ع) نقل کرده اند (شوکانی، ۱۴۱۴: ۶۹/۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۵۹/۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۹۸/۲) ولی متأسفانه تعصبات و پیش داوری های ذهنی مانع از قضاوت صحیح شده و جمهور اهل سنت - هر چند برخی روایت شأن نزول آیه درباره علی (ع) را در کتاب نقل کرده اند (رک: آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۵۹/۳) - به سادگی از کنار این روایات گذشته و از پذیرفتن آن خودداری نموده اند. مشهور آنان نیز بر این باورند که این آیه، مورد نزول خاصی ندارد و خداوند به پیامبرش دستور می دهد هر چه بر او نازل می کند ابلاغ کرده؛ از هیچ چیز احساس ترس و خطر ننماید و خداوند وعده داده او را در برابر خطرات حفظ کند (زمخشری؛ ۱۴۰۷: ۱/۶۵۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۲/۳۹۹؛ سید قطب، ۱۴۱۲: ۲/۹۳۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳/۳۵۵). برخی دیگر نیز به این اجمال

دربارهٔ این آیه بسنده نکرده‌اند و در پی شناسایی مورد نزول آیه، اقوالی را ذکر می‌کنند (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱/۲۴۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲/۲۹۸).

ترجمه‌ها

ای پیغمبر برسان آنچه فرود آورده شده است به‌سوی تو از جانب پروردگار تو و اگر نکردی نرساننده باشی پیغام خدا را و خدا نگاه دارد ترا از مردمان (دهلوی).
ای فرستاده (خدا، محمد مصطفی) هر آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است (به تمام و کمال و بدون هیچ‌گونه خوف و هراسی، به مردم) برسان (و آنان را بدان دعوت کن) و اگر چنین نکنی، رسالت خدا را (به مردم) نرسانده‌ای (و انسان را بدان فراخوانده- ای؛ زیرا تبلیغ جمیع اوامر و احکام بر عهده تو است و کتمان جزء از جانب تو، کتمان کل بشمار است) و خداوند تو را از (خطرات احتمالی کافران و اذیت و آزار) مردمان محفوظ می‌دارد.

توضیحات: «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ»؛ اگر به تمام و کمال تبلیغ نکنی. این تهدید خطاب به پیغمبر و به پیروی از او، خطاب به همه علماء و مسلمانانی است که در کار تبلیغ چه‌بسا سستی کنند و برخی از حقایق را به خاطر دیگران پنهان دارند (خرم‌دل).

ای رسول برسان آنچه را که از (جانب) پروردگارت به‌سوی تو فرو فرستاده شده است و اگر (این کار را) نکنی، رسالتش را نرسانده‌ای و خداوند تو را از (شر) مردمان حفظ می‌کند (انصاری).

ای پیغمبر، آنچه از خدا بر تو نازل شد (به خلق) برسان که اگر نرسانی تبلیغ رسالت و ادای وظیفه نکرده‌ای و خدا تو را از (شر) مردمان محفوظ خواهد داشت، (و دل قوی دار که) خدا کافران را (به هیچ راه موفقیتی) راهنمایی نخواهد کرد (الهی قمشه‌ای).

ای فرستادهٔ ما، آنچه را از جانب پروردگارت به‌سوی تو نازل شده ابلاغ کن و اگر نکنی (گویی هیچ) پیام او را ابلاغ نکرده‌ای و خداوند تو را از (فتنه و شر) مردم نگاه می‌دارد (مشکینی).

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می‌دارد (مکارم).

ارزیابی ترجمه‌ها

از میان ترجمه‌های فوق ترجمه دهلوی و انصاری که مطلب برایشان مهم نبوده، همانند دسته‌ای از مفسران اهل سنت اجمال درباره آیه را نپذیرفته و برای آیه، مورد نزول قائل اند؛ ولی اشاره‌ای به مورد نزول ندارند. در ترجمه خرم‌دل که تعصبات مذهبی مانع از قضاوت و ترجمه صحیح مترجم شده است؛ همانند مشهور اهل سنت مورد نزولی برای آیه شریفه قائل نیست و مصداق مأموریت پیامبر (ص) را در این آیه هر آنچه از طرف خداوند به ایشان نازل می‌شود، دانسته است و شگفت آنکه این مطلب را به عموم علما و مسلمانانی که حقایق را پنهان می‌دارند؛ تعمیم می‌دهد.

ترجمه برگزیده

با توجه به روایات معتبر فریقین، ترجمه مکارم، مشکینی و الهی قمشه‌ای را می‌توان صحیح دانست، جز آنکه به دلیل اشاره نکردن به مورد نزول آیه؛ همچنان هاله‌ای از ابهام درباره تعیین مصداق مأموریت پیامبر (ص) در ذهن مخاطب باقی است.

۱-۳) آیه ولایت

(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ) (مائده/۵۵).

ارزیابی تفسیری

قرار گرفتن این دو آیه در بین آیات نهی از ولایت کفار و اهل کتاب، برخی از مفسران اهل سنت را بر آن داشته تا با مشارکت سیاق، آیه نامبرده را یکی از وظایف مسلمانان در انحصار یاری خدا و رسول و مؤمنین بدانند و نص آیه را در تعیین ولایت و خلافت علی (ع) منکر شوند. حال آنکه ولایت خدا و رسول نسبت به دیگران به صورت دوستی نیست، بلکه به طور سرپرستی و کارگردانی می‌باشد؛ ظهور آیه نیز در یک قضیه واقع شده است

نه اینکه به‌طور عموم و همیشگی باشد (قرشی، ۱۳۷۷: ۹۳/۳) دوستی و محبت دینی برای همه مؤمنان است، نه برخی از آن‌ها (توبه/۷۱) (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۲۷/۳).

از طرفی، بر اساس روایات فراوان مذهب اهل‌بیت و اهل سنت و اعتراف مفسران معروف فریقین، این آیه در شأن امام علی (ع) نازل شده است (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۹۳/۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۴۱/۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۸۲/۱۲ - ۳۸۳؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۲۰۹/۱؛ قمی، ۱۳۶۷: ۲۰۹/۱؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۱۴۱/۱؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۳۱۷/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۲۷/۳).

سیوطی در *درالمشور* ذیل این آیه از ابن عباس نقل می‌کند که علی (ع) در حال رکوع نماز بود که سائلی تقاضای کمک کرد و آن حضرت انگشترش را به او صدقه داد، پیامبر (ص) از او پرسید: چه کسی این انگشتر را به تو صدقه داد؟ اشاره به علی (ع) کرد و گفت: «آن مرد که در حال رکوع است». در این هنگام آیه شریفه نازل شد (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۹۳/۲). این شأن نزول با تفاوت‌های جزئی از پیروان مذهب اهل‌بیت و اهل سنت نقل شده و در منابع تفسیری و حدیثی فریقین موجود است؛ ولی متأسفانه تعصب اجازه نمی‌دهد که این همه روایات و گواهی دانشمندان درباره شأن نزول آیه فوق، مورد توجه قرار گیرد و عموم مفسران اهل سنت معنای حقیقی رکوع را مراد آیه ندانسته و آن را به معنای مجازی یعنی خضوع ترجمه نموده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۴۰۷/۱؛ ۶۴۹/۱؛ دروزه، ۱۴۲۹: ۱۶۵/۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۳۴/۳).

ترجمه‌ها

جز این نیست که دوست شما خداست و رسول او و مؤمنانی که بر پا می‌دارند نماز را و می‌دهند زکات را و ایشان پیوسته نماز گزارند (دهلوی).

تنها خدا و پیغمبر او و مؤمنانی یاور و دوست شمایند که خاشعانه و خاضعانه نماز را به‌جای می‌آورند و زکات مال به در می‌کنند.

توضیحات: «و هم را کعون»؛ و حال آنکه آنان عبادات و تکالیف خود را فروتنانه و از صمیم قلب انجام می‌دهند. این جمله حال فاعل فعل‌های «یقیمون» و «یؤتون» است و می‌تواند جمله مستأنفه باشد (خرم‌دل).

جز این نیست که ولیّ شما، خداوند و رسولش و مؤمنانی هستند که نماز را بر پای می-دارند و آنان در اوج فروتنی زکات می‌پردازند (انصاری).
 ولیّ امر و یاور شما تنها خدا و رسول و مؤمنانی خواهند بود که نماز به پا داشته و به فقرا در حال رکوع زکات می‌دهند (به اتفاق مفسران مراد علی علیه السّلام است) (الهی قمشه-ای).

جز این نیست که سرپرست و ولیّ امر شما خدا و فرستاده اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند، آن‌ها که نماز را برپا می‌دارند و درحالی که در رکوع‌اند زکات می‌دهند (مشکینی).

سرپرست و ولیّ شما، تنها خداست و پیامبر او و آن‌ها که ایمان آورده‌اند همان‌ها که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند (مکارم).

ارزیابی ترجمه‌ها

در ترجمه دهلوی و خرم‌دل کلمه «ولیّ» درست معادل‌یابی نشده و به دوست معنا شده است. در ترجمه انصاری «ولیّ» اصلاً معنا نشده است. افزون بر آن، دهلوی و انصاری «آئما» را ترجمه نکرده؛ هر چند در ترجمه خرم‌دل «آئما»، نصّ در تخصیص است. از دیگر تفاوت‌ها آنکه در ترجمه دهلوی از آنجا که نسبت و ارتباط بین دو تعبیر «يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ» و «وَهُمْ رَاكِعُونَ» حائز اهمیت نبوده است جمله حالیه «وَهُمْ رَاكِعُونَ» بدون آنکه ربط آن به ماقبل مشخص شود، ترجمه شده است. درحالی که در ترجمه خرم‌دل و انصاری، معنای حقیقی رکوع را مراد ندانسته، همانند عموم مفسران اهل سنت رکوع را به معنای مجازی آن، یعنی خضوع ترجمه کرده‌اند.

ترجمه برگزیده

ترجمه مکارم کاملاً مطابق با معیارهای صحیح تفسیری و مبانی کلامی است. همچنین ظهور معنای «ولیّ» در سرپرستی به درستی تبیین شده و «آئما» در این ترجمه به دقت معادل‌یابی شده است. در ترجمه مشکینی نیز «آئما» به درستی معادل‌یابی نشده است. الهی قمشه‌ای نیز «ولیّ» را در هر دو معنای سرپرستی و یاوری ترجمه کرده است.

۱-۴) آیه قُربی

(قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) (شوری/۲۳).

ارزیابی تفسیری

محور اصلی بحث در میان فریقین در تعیین مقصود و مراد از «ذوی القربی» است. تمام مفسران شیعه و گروهی از مفسران اهل سنت این وجه را اختیار کرده‌اند که مقصود آن است که بر این تبلیغ مزدی از شما درخواست نمی‌کنم، جز دوستی با خویشاوندان نزدیکم (طوسی، بی‌تا: ۱۵۸/۹ - ۱۵۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۱/۱۳؛ ابوحیان، ۱۴۲۰: ۳۳۴/۹ - ۳۳۵؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۱۲۲/۱۷ - ۱۲۳). در برابر این تفسیر، احتمالات و تفسیرهای دیگری ذکر شده که به نظر می‌رسد انگیزه اصلی آن‌ها کم‌رنگ کردن مسئله امامت و خلافت پیامبر (ص) و کاستن از مقام اهل بیت (ع) است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۵: ۲۲۵/۹) که نه با محتوای آیه سازگار است، نه با شأن نزول و سایر قرائن تاریخی. برخی از این احتمالات عبارت‌اند از:

۱. دوست داشتن تقرب به خدا؛ یعنی دوست داشته باشید که با انجام عمل صالح و اطاعت فرمان خدا به خدا تقرب بجویید. این وجهی است که گروهی آن را از حسن بصری نقل کرده‌اند (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۳۳۴/۹ - ۳۳۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۰/۱۳ - ۳۱؛ طوسی، بی‌تا: ۱۵۹/۹). ۲. کمک کردن رسول خدا (ص) به واسطه خویشاوندی. (همان) ۳. صلۀ رحم با خویشاوندان. این وجهی است که شیخ طوسی با عنوان «قال بعضهم» از آن یاد کرده است (طوسی، بی‌تا: ۱۵۹/۹) و ابوحیان و آلوسی آن را از عبدالله بن سلام نقل کرده‌اند. (ابوحیان: ۹: ۳۳۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۳: ۳۳). ۴. تقرّب به خدا با عمل صالح و اطاعت‌ها که شیخ طوسی از آن با تعبیر «قال آخرون» یاد می‌کند (طوسی، بی‌تا: ۱۵۸/۹). این در حالی است که روایات فراوانی در منابع اهل سنت و شیعه وجود دارد که پیامبر (ص) آیه شریفه را تبیین نموده و مصادیق «القربی» را حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) و فرزندان آن دو معرفی کرده است (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱۳۰/۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۷/۶).

ترجمه‌ها

بگو نمی‌طلبم از شما بر تبلیغ قرآن هیچ مزدی، لیکن باید که پیش گیرید دوستی در میان خویشاوندان (دهلوی).

بگو در برابر آن (همه نعمت که در پرتو دعوت اسلام به شما خواهد رسید) از شما پاداش و مزدی نمی‌خواهم جز عشق و علاقه و نزدیک (به خدا) را (که سود آن هم عاید خودتان می‌گردد).

توضیحات: «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»: مگر شور و شوق تقرب به خدا با انجام حسنات و دوری از سیئات؛ یعنی آنچه از شما می‌خواهم در پیش گرفتن راه خداست (نگا: فرقان/۵۷). «الْقُرْبَى»: تقرب (خرم‌دل).

بگو: بر (رساندن) آن مزدی از شما درخواست نمی‌کنم، ولی باید در میان خویشاوندان دوستی پیشه کنید (و حق خویشاوندی من به‌جای آورید) (انصاری).

بگو: من از شما اجر رسالت جز این نخواهم که مودت و محبت مرا در حق خویشاوندان منظور دارید (و دوستدار آل محمد باشید، که این اجر هم به نفع امت و برای هدایت یافتن آنهاست) (الهی قمشه‌ای).

بگو: از شما در مقابل این (ابلاغ رسالت خود) جز محبت (قلبی و عملی) درباره خویشاوندانم مزدی نمی‌طلبم (مشکینی).

بگو: «من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم، جز دوست داشتن نزدیکانم» [اهل بیت] (مکارم).

ارزیابی ترجمه‌ها

در ترجمه دهلوی واژگان صرفاً به صورت تحت‌اللفظی معنا شده و معنای قربی تبیین نشده و همچنان ابهام در ذهن مخاطب باقی است. در ترجمه خرم‌دل، مترجم تعصب بیشتری به خرج داده و با نادیده گرفتن روایات فریقین در این مورد [اهل بیت پیامبر (ص)] آن را همانند برخی تفاسیر ناصحیح از آیه، به شور و شوق تقرب به خدا با انجام حسنات و دوری از سیئات معنا کرده است و خواننده را به آیه ۵۷ سوره فرقان ارجاع می‌دهد؛

درحالی‌که این دو آیه شریفه هر یک در مورد موضوعی خاص بحث می‌کند. در ترجمه انصاری، مطابق بدترین وجه تفسیری آیه شریفه، قریبی را به معنای رعایت خویشاوندی پیامبر (ص) ترجمه کرده است.

ترجمه برگزیده

مطابق با روایات صحیح فریقین در تبیین مصادیق آیه به اهل‌بیت پیامبر (ص) می‌توان ترجمه مکارم و مشکینی و الهی قمشه‌ای را صحیح دانست که به درستی ابهام را از ذهن مخاطب می‌زداید؛ ضمن آنکه در ترجمه الهی قمشه‌ای دلیل سفارش پیامبر (ص) با دقت تبیین شده است.

۲- آیات فضایل امام علی (ع)

در این قسمت به آیاتی پرداخته می‌شود که مستقیماً مسئله خلافت و ولایت را مطرح نمی‌کند، اما فضائلی برای امیر مؤمنان علی (ع) اثبات می‌کند که او را برترین فرد امت محمد (ص) و والاترین شخصیت بعد از پیامبر اسلام (ص) معرفی می‌کند (مکارم- شیرازی، ۱۳۷۵: ۱۷۸/۹). همچنین ایشان را برای یک امر مهم و خطیر اسلامی که چیزی جز زمامداری (امت) مسلمین نمی‌تواند باشد، معرفی می‌کند. برخی از این آیات به شرح ذیل است:

۱-۲) آیه مباهله

(فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ) (آل عمران/۶۱).

ارزیابی تفسیری

آیه مباهله، نتیجه‌گیری و تفریع بر تعلیم الهی درباره‌ی داستان عیسی (ع) است که در دو آیه قبل بیان شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳: ۲۲۲). روایات متعددی از فریقین با اندکی تفاوت در شأن نزول آیه مباهله وارد شده است که این آیه را مخصوص امام علی (ع)، حضرت فاطمه (س) و امام حسن و حسین (ع) معرفی کرده است (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۸/۲ -

۳۹؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۱۵۵/۱ - ۱۵۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۸۱/۲؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۳۴۹/۱؛ قمی، ۱۳۶۷: ۱۰۴/۱).

ماجرا از این قرار است که با اصرار هیئت مسیحی بر جهل و ادعای خود درباره عسی (ع)، پیامبر اسلام (ص) [بر اساس دستور الهی] آن‌ها را به مباحله فراخواند. فردای آن روز پیامبر (ص) همراه علی بن ابی طالب، حسن و حسین و فاطمه (س) آمد. هیئت مسیحی با مشاهده این بزرگواران از مباحله امتناع ورزید و پیامبر (ص) نیز با آن‌ها بر پرداخت جزیه مصالحه نمود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۶۲/۲). در روایتی از پیامبر (ص) چنین نقل شده است: «قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث نمود، اگر آن‌ها با ما مباحله می‌کردند، وادی آتش بر روی آن‌ها می‌بارید» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳۶۹/۱). در روایتی دیگر آمده است که اسقف آن‌ها گفت: «من صورت‌هایی را می‌بینم که اگر از خدا تقاضا کنند که کوه‌ها را از جا برکنند، چنین خواهند کرد. هرگز با آن‌ها مباحله نکنید که هلاک خواهد شد و یک مسیحی تا روز قیامت بر روی زمین باقی نخواهد ماند» (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۴۷/۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۶۲/۲؛ زمخشری، ۱۴۱۵: ۳۶۸/۱ - ۳۶۹).

ترجمه‌ها

پس هر که مکابره کند با تو در باب عیسی بعد از آنچه آمد بتو از دانش پس بگو بیاید تا بخوانیم فرزندان خود را و فرزندان شما را و زنان خود را و زنان شما را و ذات‌های خود را و ذات‌های شما را پس همه بزاری دعا کنیم پس لعنت خدا گوییم بر دروغ‌گویان (دهلوی).

هر گاه بعد از دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده است (باز) با تو به ستیزه پرداختند، بدیشان بگو: بیاید ما فرزندان خود را دعوت می‌کنیم و شما هم فرزندان خود را فراخوانید و ما زنان خود را دعوت می‌کنیم و شما هم زنان خود را فراخوانید و ما خود را آماده می‌سازیم و شما هم خود را آماده سازید، سپس دست دعا به سوی خدا بر می‌داریم و نفرین خدا را برای دروغ‌گویان تمنا می‌نماییم.

توضیحات: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ» پس اگر کسی دربارهٔ مسئله عیسی با تو بدون دلیل مجادله کرد. «تعالوا» بیایید. «فتهل» فروتنانه دست دعا به درگاه خدا برداریم و به زاری از او بخواهیم که مباحله کنیم (خرم‌دل).

و هر کس که با تو (درباره) او پس از دانشی که به تو رسیده است احتجاج ورزد، بگو: بیاید تا فرزندانمان و فرزندانان و زنانمان و زنانان و نزدیکانمان و نزدیکانمان را فرا خوانیم، آن گاه با همدیگر مباحله کنیم و «لعنت» خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم (انصاری).

پس هر کس با تو دربارهٔ عیسی در مقام مجادله برآید بعد از آنکه به احوال او آگاهی یافتی، بگو: بیاید ما و شما فرزندان و زنان و کسانی را که به منزله خودمان هستند بخوانیم، سپس به مباحله برخیزیم (در حق یکدیگر نفرین کنیم) تا دروغ‌گویان (و کافران) را به لعن و عذاب خدا گرفتار سازیم (الهی قمشه‌ای).

پس هر کس با تو دربارهٔ او (عیسای مسیح علیه السلام) پس از آنکه تو را علم آمده محاجّه و ستیز کند، بگو: بیاید ما پسرانمان را و شما پسرانمان را و ما زنانمان را و شما زنانمان را و ما خودمان را و شما خودتان را (کسانی را که مانند جان ماست) فرا خوانیم، آنگاه به یکدیگر نفرین کنیم، پس لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم. (پیامبر در این قصه حسنین را به‌عنوان ابناء و فاطمه را به‌عنوان نساء و علی را به‌عنوان نفس خود به مباحله آورد و کفار تسلیم شدند) (مشکینی).

هر گاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجّه و ستیز برخیزند، به آن‌ها بگو: «بیاید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود آنگاه مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم (مکارم).

ارزیابی ترجمه‌ها

از میان ترجمه‌های فوق ترجمه انصاری بدون آنکه به فضای نزول آیه اشاره کند به ترجمه پرداخته است و کلمه «انفس» را به غیر معنای واقعی ترجمه کرده است. در ترجمه خرم‌دل مترجم عطف‌های صریح را نادیده گرفته و برای انفسنا و انفسکم فعل «آماده ساختن» را از خود ابداع کرده و ترجمه صریح آیه را تغییر داده است؛ ولی آقای دهلوی و انصاری در ترجمه، عطف را مراعات نموده‌اند. آقای انصاری تعبیر «فَجَعَلَ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكٰذِبِيْنَ» که بیان و نتیجه‌ای است برای ابتهال را به درستی ترجمه کرده است. خرم‌دل این تعبیر را به صورت «تمنا می‌نماییم»، معنا کرده است. دهلوی نیز آن را به صورت «گوییم» ترجمه کرده که صحیح نمی‌باشند؛ زیرا این جمله به منزله بیانی برای ابتهال است و اشاره دارد به درگیر شدن حتمی نفرین و تمایز حق از باطل (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۲۴/۳) که مناسب این تعبیر، فعل «فنجعل» است نه «فنسئل» و یا «فنقل».

ترجمه برگزیده

با توجه به حرف «فاء» تفریح، مضمون آیه نتیجه‌گیری و تفریح بر تعلیم الهی در دو آیه قبل است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۲۲/۳) و تفاوت مرجع ضمیر متکلم در کلمه «ندع» با کلمات «ابنائنا» و «نساننا» و «انفسنا» که اولی به دو طرف متخاصم، یعنی رسول خدا (ص) و بزرگان نجد که مسیحی بودند برمی‌گردد و دومی به رسول خدا (ص) و همراهانش برمی‌گردد (همان: ۲۲۳). از میان ترجمه‌های فوق، ترجمه مشکینی را می‌توان بهترین ترجمه به حساب آورد؛ زیرا کاملاً مطابق با سیاق آیات و تفسیر ارائه شده از علامه طباطبایی است. ترجمه مکارم و الهی قمشه‌ای چندان دقیق نیست؛ در ترجمه مکارم سیاق آیه با دو آیه قبل در نظر گرفته نشده (حرف فاء تفریح به درستی ترجمه نشده) و از طرفی «مباهله» معادل‌یابی نشده و جای ابهام در ذهن مخاطب باقی است. در ترجمه الهی قمشه‌ای مرجع ضمائر «ندع» و «ابنائنا» و «نساننا» و «انفسنا» یکسان در نظر گرفته شده است.

۲-۲) آیه تطهیر

(إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) (احزاب/۳۳).

ارزیابی تفسیری

آیه تطهیر از مهم‌ترین ادله قرآنی در خصوص فضیلت و برتری اهل‌بیت (ع) محسوب می‌گردد، مفسران و دانشمندان مذهب اهل‌بیت و اهل سنت در طول تاریخ درباره آن بحث‌های فراوانی کرده‌اند. محور اصلی اختلاف مفسران اهل سنت و شیعه در این آیه به تعیین مصداق اهل‌بیت برمی‌گردد. شیعیان استدلال کرده‌اند که آیه تطهیر اختصاص به پنج تن (اهل کسا) دارد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۶۰/۸). استقرار آیه تطهیر در وسط آیاتی که به زنان پیامبر (ص) مربوط است، تعصب ناروای مذهبی و بی‌توجهی به کثرت روایات صحیح و معتبر و مستند در حد تواتر، موجب شده است برخی مفسران اهل سنت به توجیه و تأویل دست زده این امتیاز را به‌طور کلی از (اهل کساء) سلب و یا با عام و شامل دانستن آیه، اختصاص عصمت را از آن‌ها بگیرند. چنانچه از قول عکرمه، عبدالله بن عباس، سعید بن جبیر و عروه بن زبیر بیان شده که اهل‌بیت در این آیه صرفاً همسران پیامبر است (طبری، ۱۹۸۸: ۸/۱۲؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۹۸۷: ۴۹۱/۳؛ سیوطی، ۱۹۹۳: ۶۰۲/۶ - ۶۰۳). از کلام زمخشری و فخر رازی نیز در تفسیر این آیه استفاده می‌شود که مفعول «پرید» را محذوف و آن را امر و نهی‌ها، موعظه‌ها و تکلیف‌هایی دانسته‌اند که در آیات پیشین برای همسران پیامبر بیان شده است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۳۸/۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۶۸/۲۵).

ابن کثیر منظور از آن را اهل کساء و همسران رسول خدا (ص) می‌داند (ابن کثیر، ۱۹۸۷: ۴۹۱/۳ - ۴۹۲)؛ و یا به اهل‌بیت نسبی آن حضرت استناد داده شده است و شامل بنی هاشم، بنی عباس و سایر عموهای پیامبر (ص) می‌شود. این قول به زید بن ارقم نسبت داده شده است (قرطبی، ۱۹۸۵: ۱۸۳/۱۴)؛ و آلوسی با استناد به سیاق آیات و برخی روایات ضعیف و متروک، دایره مصادیق را وسیع دانسته و آن را شامل همسران و فرزندان و بستگان نزدیک پیامبر (ص) و حتی اقطاب صوفیه می‌داند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۹۴/۱۱ - ۱۹۹). هر چند برخی منظور از آن را به‌طور خاص امام علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) دانسته‌اند، این قول به کلی نسبت داده شده است (قرطبی، ۱۹۸۵: ۱۸۲/۱۴)؛ که با توجه به ادله و روایات معتبر فراوان در منابع اهل سنت و شیعه، تنها نظر صحیح همین است و با

توجه به ادله و روایات معتبر، اختصاص این امتیاز به اهل کساء انکار ناشدنی است و با کمی دقت ابطال تفاسیر دیگر آشکار می‌گردد.

سیاق آیه تطهیر به لحاظ اراده طهارت و زدودن رجس از سوی خداوند، آشکارا با سیاق آیات قبل و بعد خود متفاوت است. آیه تطهیر، حکایت از مشیت حق، بر امری مهم می‌نماید، با حسن انتخابی در روش سخن، لحن کلام و طرز گفتار عوض می‌شود. پس معلوم می‌شود که مفهوم بلند آیه تطهیر درباره پنج تن هیچ ارتباطی با همسران پیامبر (ص) ندارد و مسئله سیاق در این خصوص کاربرد ندارد؛ امام صادق (ع) در این خصوص می‌فرماید: «یا جابر... و لیس شیء أبعد من عقول الرجال منه، إن الآیه لتنزل أولها فی شیء و اوسطها فی شیء و آخرها فی شیء»: ای جابر! ... هیچ چیزی مثل آن (قرآن) از عقل (و قیاس) مردم دور نیست؛ زیرا اول آیه درباره یک چیز و وسط آن درباره چیز دیگر و آخر آن درباره چیز سوم می‌آید (سمرقندی، ۱۳۸۰: ۱۲/۱).

همچنین روایات اسباب نزول چه آن‌ها که در صحاح اهل سنت وجود دارد، چه آن روایاتی که در کتب دیگر نقل شده است، هر کدام به گونه‌ای با عضویت همسران پیامبر در حوزه اهل بیت مخالفت دارد. ضمن آنکه پیامبر (ص) مصداق اهل بیت (پنج تن) را آشکارا معرفی کرده‌اند؛ چنانکه سیوطی حدیثی را نقل می‌کند که در آن ابن مردویه از ام سلمه روایت کرده که گفت: «آیه مذکور در خانه من نازل شد و در خانه هفت نفر بودند: جبرئیل، میکائیل، علی، فاطمه، حسن و حسین و من که دم در ایستاده بودم، عرضه داشتم: یا رسول الله، آیا من از اهل بیت نیستم؟ فرمود: تو عاقبت بخیری، تو از همسران پیغمبری». (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۹۸/۵) در برخی دیگر از تفاسیر روایی عامه، به احادیث مشابه با نمونه فوق اشاره شده است (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۴۲/۸ - ۴۳؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۳۰/۲؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴۶۲/۳؛ بغدادی، ۱۴۱۵: ۴۲۵/۳).

همچنین از آنجا که لفظ «انما» در زبان عربی بیان کننده حصر و انحصار مطلبی است که پس از آن ذکر می‌شود، با توجه به آنکه آیه شریفه با لفظ «انما» شروع می‌شود دارای دو انحصار است که عبارت‌اند از: ۱. انحصار اراده و خواست خداوند متعال و تطهیر و دور کردن پلیدی؛ ۲. انحصار این عصمت و دوری از پلیدی‌ها و عیوب در اهل بیت

(طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۰۹/۱۶). مراد از «اراده» نیز ارادهٔ تکوینی خداوند است؛ زیرا ارادهٔ تشریحی که منشأ تکالیف دینی و منشأ متوجه ساختن آن تکالیف به مکلفین است، اصلاً با این مقام سازگاری ندارد (همان: ۳۱۳).

ترجمه‌ها

جز آن نیست که می‌خواهد خدا تا دور کند از شما پلیدی را ای اهل‌بیت و تا پاک کند شما را پاک کردنی (دهلوی).

خداوند قطعاً می‌خواهد پلیدی را از شما اهل‌بیت (پیغمبر) دور کند و شما را کاملاً پاک سازد.

توضیحات: «أَهْلُ الْبَيْتِ» زنان خانوادهٔ پیغمبر. واژهٔ «اهل» منصوب به اختصاص و یا این که منادا است. «عنکم ... يُطَهَّرْكُمْ»، تبدیل ضمیرهای جمع مؤنث به جمع مذکر به خاطر لفظ «اهل» است. (نگاه: هود/۷۳؛ طه/۱۰؛ قصص/۲۹) (خرم‌دل).

جز این نیست که خداوند می‌خواهد پلیدی را از شما، ای اهل‌بیت دور کند و چنان که باید شما را پاکیزه گرداند (انصاری).

خدا چنین می‌خواهد که هر رجس و آلاشی را از شما خانواده (نبوت) ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند ذیل آیه موافق اخبار شیعه و اهل سنت راجع به شخص پیغمبر و علی و فاطمه و حسنین علیهم السّلام است و اگر راجع به زنان پیغمبر بود بایستی ضمیر مؤنث - عنکن - ذکر شود و به سیاق جمل صدر آیه باشد (الهی قمشه‌ای).

جز این نیست که خداوند (به ارادهٔ تکوینی خاص) می‌خواهد از شما اهل‌بیت (پیامبر) هر گونه پلیدی (در عقاید و اخلاق و اعمال) را بزدايد و شما را به همه ابعاد پاکی پاکیزه گرداند (مشکینی).

خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل‌بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد (مکارم).

ارزیابی ترجمه‌ها

از میان ترجمه‌ها، ترجمه دهلوی و انصاری که مطلب برایشان چندان اهمیت نداشته است، «اهل البیت» را تعیین مصداق نکرده‌اند؛ بنابراین همچنان شک و ابهام در ذهن مخاطب باقی است؛ در حاشیه نیز اشاره‌ای به آن نداشته‌اند. همچنین کلمه «آئمه» که بیان‌کننده انحصار است، معنی نکرده‌اند؛ در عین حال به تفاسیر نادرست نیز روی نیاورده‌اند. در ترجمه خرم‌دل که تعصب بسیاری داشته، با نادیده گرفتن روایات معتبر و ادله فراوان و حتی اعتراف خود همسر پیغمبر (ص)؛ مصداق اهل البیت را صرفاً همسران پیامبر دانسته و این فضیلت و امتیاز را به‌طور کلی از اهل کساء - حضرت علی، حضرت فاطمه، امام حسن و حسین (ع) - سلب کرده است. تنها مشکل را در مصداق [همسران پیامبر (ص)] تبدیل ضمائر مؤنث به مذکر دانسته که صرفاً با ارجاع دادن مخاطب به سه آیه قرآن خود را از توضیح بی‌نیاز دانسته است و دلایل آشکاری مثل تغییر سیاق، لحن کلام، نحوه گفتار و روایات معتبر و اعتراف همسر پیامبر (ص) را نادیده گرفته است.

ترجمه برگزیده

با توجه به نکات تفسیری و روایات معتبر، ترجمه مشکینی و مکارم چندان دقیق نیست؛ زیرا همچنان ابهام در ذهن مخاطب درباره مصداق اهل البیت باقی است. در ترجمه الهی قمشه‌ای به خوبی مصداق اهل بیت مشخص شده است، جز آنکه ترجمه «آئمه» که بیانگر انحصار مطلبی است که پس از آن ذکر می‌شود، به‌درستی تبیین نشده است. در ترجمه صحیح لازم است، علاوه بر تعیین مصداق اهل بیت باید انحصار این امتیاز به خوبی مشخص گردد که در ترجمه مکارم این انحصار رعایت شده است. امتیاز ترجمه مشکینی نیز در تعیین نوع اراده تکوینی خاص خداوند است.

۲-۳) آیه اکمال

(الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا) (مائده/۳).

ارزیابی تفسیری

هر چند فریقین در پاره‌ای از نقاط پیرامون آیه اکمال اتفاق نظر دارند، ولی تأمل در تفاسیر قدما، متأخران و معاصران پیرامون آیه فوق نشان دهنده وجود دیدگاه‌های متفاوت میان مفسران شیعه (طوسی، بی تا: ۳۴۳/۳ - ۴۴۶؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۶۷/۸ - ۷۹) و مفسران اهل سنت (طبری، ۱۴۱۲: ۵۱/۶ - ۵۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۱/۲۸۶ و ۲۸۷) و حتی میان خود دانشمندان اهل تسنن است. محور اصلی اختلاف آنان در تفسیر این آیه، مربوط به زمان نزول و علت نزول آیه است. در مصادر فریقین تنها دو دسته روایت درباره زمان نزول این آیه به چشم می‌خورد:

دسته اول: نزول آیه در حجه الوداع در روز عرفه: در متن روایاتی که در مصادر اهل سنت از نزول این آیه خبر می‌دهد - به جز یک روایت که علت نزول را ولایت علی (ع) می‌داند - تصریحی به علت نزول آیه نشده است. در آن‌ها مشخص نشده چه حادثه‌ای در عرفه اتفاق افتاد که موجب نزول آیه و اوصاف مذکور در آن شد. به همین دلیل، مشهور اهل سنت ناگزیر در جست‌وجوی علت نزول آن وجوه متعددی را احتمال داده‌اند. از جمله آنکه در تعیین مصداق «الیوم» روز خاصی را نمی‌پذیرند و معنای عصر یا دوران را از آیه برداشت نموده‌اند (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۱۵/۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۴۰۷/۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۳۳/۳ - ۲۳۴). برخی نیز آیه را عام دانسته و شأن نزول خاصی برای آن قائل نیستند (دروزه، ۱۴۲۹: ۲۷/۹ - ۲۸)؛ که این وجوه از سوی برخی از مفسران شیعی با برهان سبب و تقسیم مورد نقد قرار گرفته و تمام آن‌ها مخدوش شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶۹/۵ - ۱۸۱). البته در برخی مصادر شیعه، مانند تفسیر عیاشی به نقل از امام صادق (ع) و کافی به نقل از امام باقر (ع)، روایت‌هایی با این مضمون نقل شده است. ولی سند این روایت‌ها ضعیف و متن آن‌ها مشوش است (نجم زادگان، ۱۳۸۴: ۱۰۹ - ۱۱۰).

دسته دوم: نزول آیه در روز غدیر یا اندکی پس از آن: این روایات در مصادر شیعی با سند صحیح و طرق متعدد نقل شده‌اند. (قمی، ۱۳۶۷: ۱: ۱۶۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۲: ۲۲۴ - ۲۲۵) در مصادر اهل سنت نیز از صحابه‌ای که شاهد نزول آیه بوده‌اند این احادیث روایت شده‌اند؛ هر چند برخی از اهل سنت آن‌ها را ضعیف دانسته (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲۵/۳؛

سیوطی، ۱۴۰۴: ۲/۲۵۹) و یا از مفتریات شیعه شناخته‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳/۲۳۴)؛ اما این دیدگاه مبنای علمی ندارد، چون افرادی که در سلسله سند این روایات آمده‌اند، از نظر رجال‌شناسان اهل سنت توثیق شده‌اند.

در تمام روایت‌های شیعه، خواه روایاتی که دلالت بر نزول آیه در عرفه می‌کند و خواه روایاتی که دلالت بر نزول آن در غدیر دارد؛ علت نزول آیه «اعلان ولایت امام علی (ع)» بیان شده است (حویزی، ۱۴۱۵: ۱/۵۸۷ - ۵۹۰؛ مشهدی، ۱۳۶۸: ۴/۳۲ - ۳۶). آنان بر این باورند که اگر چه این عبارت‌ها با جملات قبل و بعد ارتباطی ندارند، ولی خود، هماهنگ و منسجم هستند؛ بنابراین واژه «الیوم» در آن‌ها به یک روز اشاره می‌کند که همان روز غدیر است. آن‌ها کامل شدن دین را مربوط به مسئله ولایت دانسته، دلیل یأس کفار را همین مطلب عنوان می‌کنند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۲۴۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵/۱۸۱).

ترجمه‌ها

امروز ناامید شدند کافران از دین شما. پس مترسید از ایشان و بترسید از من. امروز کامل کردم برای شما دین شما را و تمام کردم بر شما نعمت خود را و اختیار کردم اسلام را دین برای شما (دهلوی).

از امروز کافران (از نابود کردن) دین شما مأیوس گشته‌اند (و می‌دانند این دین ماندگار و جاودانه است)، پس از آنان نترسید و از من بترسید. امروز (احکام) دین بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به‌عنوان آیین خداپسند برای شما برگزیدم (خرم‌دل).

امروز کافران از دین شما ناامید شده‌اند، پس از آنان مترسید و از من بترسید، امروز دیتان را برای شما کامل کردم و نعمت خویش را بر شما تمام نمودم و اسلام را (به‌عنوان) دین برای شما پسندیدم (انصاری).

امروز (به عقیده امامیه و برخی اهل سنت روز غدیر خم و خلافت علی (ع) است) دین شما را به حد کمال رسانیدم و بر شما نعمتم را تمام کردم و بهترین آیین را که اسلام است برایتان برگزیدم (الهی قمشه‌ای).

امروز کسانی که کفر ورزیده‌اند از (ابطال و ازاله) دین شما مأیوس گشته‌اند، پس از آن‌ها مترسید و از من بترسید. امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را برای شما به‌عنوان آیینی (استوار و پایدار) پذیرفتم (مشکینی). امروز، کافران از (زوال) آیین شما، مأیوس شدند بنابراین، از آن‌ها نترسید! و از (مخالفت) من بترسید! امروز، دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به‌عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم (مکارم).

ارزیابی ترجمه‌ها

از میان ترجمه‌های فوق، انصاری و دهلوی، بدون توجه به فضای نزول به ترجمه آیه پرداخته و ابهام را درباره‌ی زمان نزول و علت نزول آیه همچنان در ذهن مخاطب باقی گذاشته‌اند. ترجمه خرم‌دل بر خلاف غالب مفسران، بر عام بودن محتوای آیه اکمال، نداشتن شأن نزول خاص و هم‌زمانی نزول آن با آیات قبل تأکید داشته است. از طرفی، مراد از کلمه «الیوم» را همانند مشهور اهل سنت به معنای عصر یا دوران، نه یک روز خاص برداشت کرده است.

ترجمه برگزیده

از میان ترجمه‌های فوق، ترجمه الهی قمشه‌ای را می‌توان با توجه به تعیین زمان نزول و علت نزول آیه، بهترین ترجمه دانست که به‌خوبی ابهام را در زمینه تعیین مصداق کلمه «الیوم» از ذهن مخاطب زدوده است. ترجمه مشکینی و مکارم بدون توجه به فضای نزول به ترجمه آیه پرداخته‌اند و همچنان ابهام را در زمینه تعیین علت نزول و شأن نزول آیه در ذهن مخاطب باقی گذاشته‌اند.

نتیجه‌گیری

تأثیر پیش‌فرض‌های عقیدتی مترجم در ترجمه قرآن کریم امری غیرقابل انکار است؛ چنان‌که این پیش‌دانسته‌ها، جهت‌گیری‌های فکری خاصی را به‌عنوان مراد الهی به خواننده متن انتقال می‌دهد و گاهی او را از تجربه ارتباط دقیق با معنای اولیه متن محروم

می‌سازد. در این میان، ترجمه تفسیری یا محتوایی قرآن بیشترین امکان انتقال پیش دانسته‌ها از معنای این متن الهی را در پی دارد. آیات امامت و فضایل امام علی (ع)، شاخص‌ترین مصداق و اکاوی پیش‌فرض‌های فکری مترجمان تفسیری فریقین محسوب می‌شود.

پس از ارزیابی شاخص‌ترین ترجمه‌های فارسی قرآن ذیل آیات امامت و فضایل امام علی (ع) در می‌یابیم که رویکرد آن‌ها مشابه مفسران مذاهب خویش است. از این‌رو، مترجمان اهل سنت در ترجمه آیات مربوط به امامت علی (ع) تابع پیش‌فرض‌های کلامی هستند، ولی در این مورد دیدگاه یکسانی ندارند. چنان‌که در ترجمه دهلوی و انصاری این پیش‌فرض‌های کلامی راجع به مسئله امامت کم‌رنگ است و ته‌رنگی از آن در ترجمه دیده می‌شود که چندان برجسته نیست. چنان‌که این دو مترجم در بیشتر موارد بدون هیچ اشاره‌ای از کنار آیه عبور می‌کنند و با نوعی انصاف، ترجمه خویش را از تعصبات فرقه‌ای می‌زدایند. هر چند برخلاف دهلوی و انصاری، پیش‌فرض‌های کلامی خرم‌دل در ترجمه‌اش کاملاً برجسته است. او در ترجمه تمام آیات امامت و فضایل امام علی (ع) با مترجمان شیعه اختلاف نظر دارد؛ شاهد این امر ترجمه متعصبانه و ارائه تفسیری کوتاه همراه با شرح لغات است که در غالب موارد مخالف با ظاهر آیات و روایات معتبر فریقین است. تعصب خرم‌دل تا بدان جاست که نه تنها در صدد کم‌رنگ کردن نقش امام علی (ع) در آیات مربوط به فضایل ایشان است، بلکه عملاً با تأویل آیات، عدم ارائه معنای صحیح کلمات یا تعیین محدوده مصداق آیات درباره اشخاصی غیر از حضرت علی (ع)، نزول این آیات را درباره ایشان انکار می‌کند.

ترجمه‌های تفسیری شیعه (الهی قمشه‌ای، مشکینی و مکارم) نیز در ترجمه آیات امامت و فضایل امام علی (ع) کاملاً تابع پیش‌فرض‌های کلامی هستند که این پیش‌فرض‌ها مبتنی بر ظاهر آیات و روایات فریقین است. با این حال این ترجمه‌ها در برخی موارد بدون تعیین مصداق اتم آیه، ذهن مخاطب غیرتخصصی خود را نسبت به جایگاه حضرت علی (ع) آشنا نمی‌سازند.

منابع و مأخذ

- آلوسی، محمود. (۱۴۱۵). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی. (۱۴۲۲). *زاد المسیر فی علم التفسیر*. بیروت: دارالکتب العربی.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو. (۱۴۱۹). *تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- الهی قمشهای، مهدی. (۱۳۸۰). *ترجمه قرآن*. قم: فاطمه الزهراء.
- ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف. (۱۴۲۰). *البحر المحیط فی التفسیر*. بیروت: دارالفکر.
- انصاری خوشابر، مسعود. (۱۳۷۷). *ترجمه قرآن*. تهران: نشر و پژوهش فروزان‌فر.
- بحرانی، هاشم. (۱۴۱۶). *البرهان فی تفسیر القرآن*. تهران: بنیاد بعثت.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸). *انوار التنزیل و اسرار التأویل*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- پیشوایی، محمد جواد. (۱۳۸۷). *بررسی تطبیقی ترجمه قرآن کریم محمد مهدی فولادوند و مصطفی خرم دل (ده جزء اول)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز.
- ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲). *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- حسکانی، عیدالله بن احمد. (۱۴۱۱). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.

- حقی بروسوی، اسماعیل. (بی تا). *تفسیر روح البیان*. بیروت: دارالفکر.
- خرم دل، مصطفی. (۱۳۷۲). *تفسیر نور*. تهران: احسان.
- دروزه، محمد عزت. (۱۳۸۳). *التفسیر الحديث*. قاهره: داراحیاء الکتب العربیه.
- دهلوی، شاه ولی الله. (۱۴۱۷). *ترجمه قرآن*. مدینه: مجمع ملک فهد.
- زمخشری، محمود. (۱۴۰۷). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت: دارالکتب العربی.
- سیدقطب (بن ابراهیم شاذلی). (۱۴۱۲). *فی ظلال القرآن*. بیروت - قاهره: دارالشروق.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۴). *الدرالمشور فی تفسیر المأثور*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شوکانی، محمد بن علی. (۱۴۱۴). *فتح القدر*. دمشق: بیروت: دار ابن کثیر و دارالکلم الطیب.
- صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۶۵). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*. قم: فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. (۱۴۱۲). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- طوسی، نصیرالدین و علامه حلّی، حسن بن یوسف. (۱۳۹۲). *ترجمه و شرح کشف المراد*. ترجمه علی شیروانی. قم: دارالعلم.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵). *تفسیر نورالانقلین*. قم: اسماعیلیان.
- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر. (۱۴۲۰). *مفاتیح الغیب*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

- فلاح، ابراهیم. (۱۳۹۳ ش). نقد و بررسی ترجمه شاه ولی الله دهلوی. *فصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*. س ۴، ش ۱۰. ص ۴۳ - ۶۰.
- قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۷). *تفسیر احسن الحدیث*. تهران: بنیاد بعثت.
- قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). *الجامع لاحکام القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷). *تفسیر قمی*. قم: دارالکتاب.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا. (۱۳۶۸). *تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب*. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- کاشانی، فتح الله. (۱۴۲۳). *زبدۃ التفاسیر*. قم: بنیاد معارف اسلامی.
- کوشا، محمد علی. (۱۳۸۰). معرفی و نقد ترجمه تفسیری قرآن از دکتر مصطفی خرم دل، (بخش اول). *فصلنامه ترجمان وحی*. س ۵، ش ۱۰. ص ۳۷ - ۶۳.
- _____ (۱۳۸۱). معرفی و نقد ترجمه تفسیری قرآن از دکتر مصطفی خرم دل، (بخش دوم). *فصلنامه ترجمان وحی*. س ۶، ش ۱۱. ص ۴۸ - ۷۳.
- محلّی، جلال الدین و سیوطی، جلال الدین. (۱۴۱۶). *تفسیر الجلالین*. بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.
- مشکینی، علی. (۱۳۸۱). *ترجمه قرآن*. قم: الهادی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۳). *ترجمه قرآن*. قم: دارالقرآن الکریم.
- _____ (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۳۷۵). *پیام قرآن (تفسیر موضوعی قرآن)*. قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع).
- میبدی، احمد بن ابی سعد. (۱۳۷۱). *کشف الاسرار و عدّه الابرار*. تهران: امیرکبیر.
- نजारادگان، فتح الله. (۱۳۸۴). پژوهشی درباره مفاد آیه اکمال دین از دیدگاه فریقین. *پژوهش‌های دینی*. س ۱، ش ۳. ص ۱۰۵ - ۱۱۶.